



## رفاقت در سیاست

«دولت دوستی» در نظم سیاسی جدید چطور تحقق می‌یابد؟



افلاطون در رساله «مرد سیاسی» برخلاف «جمهوری» از حاکمی سخن گفته است که نه بر انسان‌های کامل و یکسان، بلکه بر انسان‌های متنوع و رنگارنگ با سلیقه‌ها و نیازهای متعدد حکومت می‌کند. حاکم در اینجا، شهریاری است زمینی و نه فیلسوفی آسمانی. او می‌داند که انسان‌های زمینی و واقعی، متنوع‌اند و نیازهای متفاوتی دارند. بر همین اساس، او می‌داند که نمی‌توان با یک نسخه واحد یا نسخه‌ای تماماً عقلانی بر این انسان‌ها حکومت کرد. او شهریاری است که بیش از «خرد فلسفی» بر اساس «خرد تجربی» بر آدمیان حکومت می‌کند. بدین معنا، او علم مردم‌داری و شهریاری را بیش از علوم رسمی، از روزگار و در جریان تعامل با مردم و مواجهه با موقعیت‌های مختلف آموخته است. او می‌داند که باید تفاوت انسان‌ها را به رسمیت شناسد زیرا این تفاوت، از هر واقعیتی، واقعی‌تر است. این شهریاری، «بافته‌ای» است که روحیات مختلف موجود در جامعه را به هم می‌بافد تا بدین طریق به جامعه‌ای درهم‌بافته از رنگ‌های متعدد دست یابد؛ درست همچون بافته پارچه که تار و پودها را چنان به هم می‌بافد تا پارچه‌ای نرم اما محکم حاصل آورد.



دکتر رضا ماهوزی

استاد فلسفه و عضو هیأت علمی مؤسسه مطالعات فرهنگی و اجتماعی